

رفاه و گفتمان سازندگی

دکتر نعمت الله فاضلی*

روزبه کردونی**

تاریخ دریافت: ۸۷/۲/۴

تاریخ پذیرش: ۸۷/۱۱/۲۷

چکیده

این مقاله تحقیقی، با هدف بررسی گفتمان رفاهی در دوران سازندگی، به بررسی خصوصیات و عناصر اصلی ساخت گفتمان‌های رفاهی در سخنان رئیس جمهوری در دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۶ (موسوم به دوران سازندگی) پرداخته است تا ضمن بازشناسی و معرفی ویژگی‌های گفتمانی این دوره، تفسیر و بازشناسی معناکاوانه‌ای از گفتمان رفاهی در بستر تاریخی - اجتماعی آن ارائه نماید. اهمیت این تحقیق از آنجا ناشی می‌شود که دسترسی به رفاه اجتماعی، یکی از دغدغه‌های مشترک شهروندان و دولت‌ها و معمولاً یکی از ملاک‌های موفقیت هر دولت در میزان توانایی آن در افزایش سطح بهزیستی و رفاه جامعه و ارتقای میزان برخورداری افراد یک جامعه از امکانات مادی و معنوی

* عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی

** کارشناس ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی

موجود در آن جامعه ارزیابی می‌شود که این موارد ذیل عنوان رفاه اجتماعی تعریف می‌گردند.

روش تحقیق حاضر، از نوع تحلیل گفتمانی در چارچوب نظری میشل فوق‌کو و نورمن فرکلاف و با تکیه بر الگوی تحلیل گفتمان نورمن فرکلاف است که گفتمان را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، مدنظر قرار می‌دهد. این مقاله پس از بیان مسأله، ادبیات نظری، روش تحقیق و یافته‌ها نتیجه می‌گیرد که در این دوران، جهت‌گیری گفتمان سازندگی در حوزه رفاه اجتماعی، معطوف به ابعاد اقتصادی رفاه، یعنی مواردی نظیر مسکن، بیمه، اشتغال و سوبسیدها بوده و سایر ابعاد رفاهی نظیر بعد سیاسی، در اولویت نبوده است.

واژه‌های کلیدی: رفاه - سازندگی - توسعه - عدالت - گفتمان

مقدمه

سال ۱۳۶۸، سالی است که دولت پس از جنگ، کاملاً استقرار یافته و برنامه‌های خود را بر امر سازندگی، پیشرفت و ترمیم خرابی‌های جنگ متمرکز کرده است. در این دوره که به دوران سازندگی مشهور است، عملاً توسعه اقتصادی و دولت سالار، مقدم بر سایر ابعاد توسعه، به ویژه توسعه سیاسی و فرهنگی در نظر گرفته می‌شود. مظاهر زندگی مدرن و تجمل‌گرایی در این دوره پررنگ‌تر و قابل مشاهده‌تر می‌شود و توجه بیشتر، بارزتر و تقلیل‌گرایانه به بعد اقتصادی رفاه اجتماعی نسبت به سایر ابعاد رفاهی مشهود است.

مسأله اصلی توسعه در این دوره، مقابله با عقب ماندگی اقتصادی است. کارگزار فعال، دولت است و فرهنگ و سیاست، دارای اهمیتی کمتر از اقتصاد و تابع آن هستند. در این دوران، رویکرد چندجانبه در ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به رفاه اجتماعی دیده نمی‌شود و خصوصی سازی، آزاد کردن قیمت‌ها، حذف سوبسیدهای نادرست، افزایش تولید، رشد شاخص‌های اقتصادی نظیر تولید ناخالص ملی، سرمایه گذاری و ایجاد تحول در صنایع زیر بنایی با هدف تامین رفاه جامعه، جهت‌گیری اصلی محسوب می‌شود.

البته باید توجه داشت دوره سازندگی در حالی آغاز می‌شود که پایان جنگی خانمان برانداز که به قصد سقوط نظام انقلابی و اسلامی بر ایران تحمیل شده بود، شرایط ویژه را در کشور

حکمرما کرده بود. هشت سال جنگ، منابع محدود ملی را که باید صرف توسعه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشور تازه انقلاب کرده می‌شد، به خود اختصاص داد. در این شرایط، فقدان حسرت بار رهبر انقلاب در خرداد ماه ۶۸، شرایط جدید و پیچیده تری را در کشور پدید آورد و بدین ترتیب در حالی که با حذف پست نخست وزیری، قدرت اجرایی و اختیارات ریاست جمهوری بسیار افزایش یافته بود، هاشمی رفسنجانی در فاصله کمتر از دو ماه از رحلت بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران با رویکرد بازسازی و سازندگی، حکم تنفیذ ریاست جمهوری خویش را از آیت‌الله خامنه‌ای، جانشین امام خمینی (ره) دریافت نمود. این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که خصوصیات اصلی ساخت گفتمان رفاهی در دوران سازندگی و نیز مدل رفاه اجتماعی در این دوره، چه بوده است.

پیشینه تحقیق

رویکرد به تحلیل گفتمان در محافل آکادمیک کشور، رویکردی جدید به شمار می‌آید. یکی از عوامل اساسی در مطرح شدن تحلیل گفتمان در کشور، چه در عرصه نظری و چه در عرصه پژوهشی، پدیده دوم خرداد و حضور سید محمد خاتمی در عرصه اجرایی کشور از یک سو و مطرح شدن ایده گفت و گوی تمدن‌ها و اقبال جهانی از این نظریه از سوی دیگر بوده است. در حوزه رفاه اجتماعی تاکنون تحقیقی با روش تحلیل گفتمان صورت نگرفته است و تحقیق حاضر، اولین پژوهشی است که با روش تحلیل گفتمان در موضوع رفاه اجتماعی صورت می‌گیرد. اما در سایر حوزه‌ها می‌توان نمونه‌هایی را برشمرد که از لحاظ روش، نزدیک به این تحقیق هستند.

در عرصه تجربی، از جمله نخستین پژوهش‌هایی که با روش تحلیل گفتمان انجام پذیرفته، پژوهش هادی خانیکی، درباره علل و عوامل توسعه نیافتگی مطبوعات ایران در طول بیش از یک قرن و نیم اخیر است که با عنوان «قدرت، جامعه مدنی و مطبوعات» منتشر گردیده است.

«درآمدی بر رابطه میان نظام اجتماعی و ساختار زبانی و مطبوعات: تحلیل گفتمان دو نشریه شاخص دوران پراکندگی و تمرکز قدرت اساسی در ایران» مطالعه دیگری است که در زمینه رابطه زبان، مطبوعات و سیاست به وسیله هادی خانیکی به روش تحلیل گفتمان، انجام

شده است.

رساله دکتری محمد مهدی فرقانی تحت عنوان «تحول گفتمان توسعه سیاسی» در ایران که در سال ۱۳۸۱ انجام گرفته، از دیگر تحقیق‌هایی است که با روش تحلیل گفتمان انجام پذیرفته است. فرقانی در این پژوهش، مراحل و یافته‌های حاصل از مطالعه تاریخ سیاسی - اجتماعی یکصد سال اخیر ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد تا از خلال آن، وضعیت و جایگاه توسعه در هشت دوره تاریخی تبیین شود. این مطالعه با استفاده از روش تحلیل گفتمان و بر مبنای یک الگوی ترکیبی از روش‌های پیشنهادی تیون. ای. ون دایک، و نورمن فرکلانف دو تن از صاحب نظران تحلیل گفتمان، صورت گرفته است. متون مورد استفاده برای تحلیل گفتمان نیز سر مقاله‌های یک روزنامه در هر دوره است که معرف گفتمان حاکم بوده است.

۱- طرح مسأله و هدف تحقیق

این مقاله به تحلیل گفتمان و بررسی خصوصیات و عناصر اصلی ساخت گفتمان‌های رفاهی در سخنان آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور دوران سازندگی می‌پردازد تا سیر تحول گفتمان رفاهی را در این هشت سال و ویژگی‌های گفتمانی هر دوره را بازشناسی و معرفی کند. تفسیر و بازشناسی معنایی و معناکاوانه سیاست‌های رفاهی در بستر تاریخی و اجتماعی دوره مورد بررسی و تجزیه و تحلیل چگونگی تأثیر زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و تاریخی دوره‌های مذکور بر سیاست‌های رفاهی، از دیگر اهداف این تحقیق است.

در دوره‌های مورد بررسی گفتمان‌های رفاهی، متأثر از گفتمان‌های سیاسی حاکم است، لذا وضعیت این گفتمان‌ها و رابطه آن‌ها با یکدیگر می‌تواند بیانگر شمای کلی جهت‌گیری‌های توسعه‌ای در این دوره‌ها باشد.

طی دوره‌های مذکور دو دولت موسوم به دولت‌های «سازندگی» و «اصلاحات» با گفتمان‌های متفاوت و ویژه خود بر مسند قدرت بودند. این دولت‌ها ضمن این که در چارچوب نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی مشروعیت یافته و عمل می‌کردند، اما متأثر از شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی دوره و زمان خاص خود دارای رویکردها و گفتمان‌های متفاوت در مقولاتی نظیر توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بودند، که این تفاوت‌ها در رویکردها و جهت‌گیری‌ها در زمینه رفاه اجتماعی نیز نمود و تبلور داشته است.

بنابراین وضعیت گفتمان رفاهی در هر دوره بازتابی از شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی کشور، شرایط بین‌المللی و همچنین ماهیت ایدئولوژیک، تفکرات و اندیشه‌های دولت‌های حاکم به ویژه رؤسای دولت‌ها بوده است و سیمای کلی و نگرش به توسعه را نیز به نمایش می‌گذارد.

آگاهی از گفتمان مسلط در دوره‌های مورد بررسی، که می‌تواند همان گفتمان رؤسای جمهوری تلقی شود، ما را قادر می‌سازد تا تصویری روشن از ساختار قدرت سیاسی، مناسبات اجتماعی و روابطی که در چهارچوب گفتمان مسلط تعین می‌پذیرند، بدست آوریم. این قبیل مطالعات به پژوهشگر امکان می‌دهد تا با مطالعه گفتمان بر بستر شرایط و مناسباتی که امکان تولید و تکثیر آن را فراهم کرده است، صحنه‌های آشنا و پنهان سیاست و مناسبات اجتماعی را مورد بازکاوی قرار داده، سیر تحول آن را دنبال کند و اساساً، فرصت درک و شناخت عمیق شرایط سیاسی اجتماعی و تأثیر متقابل گفتمان‌های مسلط را در شکل‌گیری این مناسبات بیابد. ذکر این نکته ضروری است که در هر یک از دوره‌های انتخاب شده، شاهد تغییر و تحول در بنیان‌های اجتماعی و توسعه‌ای بوده‌ایم و می‌توان ادعا کرد که در هر یک از این دوره‌ها شاهد گفتمان خاص با ویژگی‌های مخصوص به خود، همچنین شاهد چرخش یا تحول گفتمانی نیز بوده‌ایم.

۲- اهمیت تحقیق

رفاه در مفهوم عام، به شکل‌های مختلف در جوامع گوناگون مطرح گردیده است. در بسیاری از ایدئولوژی‌های انسانی و آسمانی، رفاه از جمله مهمترین اهداف بر شمرده شده سعادت بشری است و تامین رفاه مورد نظر آن‌ها در قالب مفاهیمی نظیر عدل، یاری به نیازمندان، امنیت، آزادی و... معنا می‌یابد.

رفاه اجتماعی در معنی خاص، مفهومی برآمده از تحولات مدرن در جامعه بشری است که پس از رنسانس و انقلاب صنعتی و مطرح شدن انسان به عنوان محور زندگی، مورد توجه و تاکید اندیشمندان و دولت‌مردان قرار گرفت.

«این مفهوم افکار اجتماعی و سیاسی معاصر را چنان تحت تاثیر قرار داده است که یک قرن پیش حتی تصور آن هم برای مفسران نا ممکن بود. البته چنین نیست که در گذشته اصلاً

صحیتی از آن نشده باشد، بلکه برعکس حتی بسیاری از مطالب مورد استفاده در بحث‌های سیاسی معاصر درباره‌ی رفاه، دست کم دویست سال قبل برای اولین بار شکل گرفت. تفاوت واقعی در اهمیتی است که امروز به آن داده می‌شود. وظیفه‌ای که دولت‌ها برای افزایش مفاهیمی نظیر رفاه، بهزیستی، یا تامین زندگی به عهده گرفته‌اند امروزه بر تمام ارزش‌های سیاسی دیگر حاکم شده است، در حالی که توجه به این مسائل زمانی در حاشیه‌ی دستور کار دولت قرار داشت. پس چنین نگرشی است که مفهوم رفاه را کاملاً امروزی می‌سازد» (باری، ۱۳۸۰: ۵).

در جمهوری اسلامی ایران نیز پس از پیروزی انقلاب و متأثر از شعارهای عدالت خواهانه مردم، رفاه اجتماعی به عنوان یک خط مشی در قانون اساسی مورد نظر قرار گرفت که اصول ۳، ۲۱، ۲۹، ۳۱، ۴۳ قانون اساسی به وضوح این گرایش را نشان می‌دهند. توجه به رفاه اجتماعی بویژه پس از پایان جنگ هشت ساله، مورد تأکید مسؤولان نظام قرار گرفت؛ به طوری که برای تعریف سیاست‌های بازسازی، شورایی تحت عنوان «شورای سیاست‌گذاری بازسازی» به دستور امام خمینی تشکیل شد که اعضای آن را آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله موسوی اردبیلی، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی و مهندس میر حسین موسوی تشکیل می‌دادند. در تاریخ ۱۱/۷/۱۳۶۷ نیز امام خمینی (ره) در نامه‌ای، خطوط اصلی سیاست‌های این شورا را چنین تبیین فرمودند: «برنامه ریزی در جهت رفاه متناسب مردم، مبارزه با فرهنگ مصرفی و تشویق به تولیدات داخلی، خروج از تکیه بر صادرات نفت، آزادی صادرات و واردات، و به طور کلی آزادی تجارت بر اساس قانون و با نظارت دولت در نوع و قیمت و همچنین، توسعه حضور مردم در کشاورزی و صنعت و تجارت و بازسازی شهرهای تخریب شده و شکستن طلسم انحصار در تجارت داخل و خارج، و بسط آن به توده‌های مردم و جامعه» (اطلاعات، ۱۳۷۲/۶/۸).

اعلامیه هزاره سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۰ که توسط سران کشورها امضا شده، همگان را متعهد کرده است که هرچه در توان دارند برای ریشه کن کردن فقر، ارتقای کرامت انسانی، بسط و گسترش عدالت، صلح و آزادی‌های اجتماعی و پایداری زیست محیطی انجام دهند. این شاخص‌ها و متغیرهای کلیدی که مرتبط با مقوله رفاه اجتماعی و توسعه پایدار انسانی هستند، به دلیل دارا بودن روایی علمی بین‌المللی و سازگاری با مبانی ارزشی انقلاب اسلامی، رسماً

توسط دولت جمهوری اسلامی ایران به امضا رسیده است. با این توصیف، در دوران معاصر که با تعهد بی سابقه برای دسترسی به توسعه پایدار انسانی و رفاه اجتماعی آغاز شده است، تحقق مؤلفه‌های رفاهی یکی از کارکردهای ویژه دولت‌ها از جمله دولت جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شود. از این رو شناخت موانع و مشکلات موجود بر سر راه رفاه و آسیب شناسی برنامه‌های رفاهی می‌تواند یکی از مهمترین موضوعات پژوهشی تلقی شود.

از بعد کاربردی، شناخت کامیابی‌ها و شکست‌ها در عرصه‌های مرتبط با رفاه اجتماعی در دوره‌های مورد مطالعه می‌تواند این امکان را فراهم کند که با درس‌آموزی از گذشته و عدم تکرار اشتباهات، امکان نیل به رفاه اجتماعی در کشور که امروزه نزدیکی فراوانی به مفاهیمی نظیر توسعه اجتماعی، توسعه انسانی و توانمندی انسانی دارد فراهم شود. این موضوع از این منظر نیز قابل توجه است که رفاه اجتماعی امروزه به عنوان عاملی که دارای کارکرد محوری در سیستم اجتماعی است، نگریده می‌شود و موفقیت نهاد دموکراسی در سیاست، رقابت در اقتصاد و تسامح در عرصه فرهنگ مستلزم کارکرد مناسب در نهاد رفاه است. آن چه مسلم است محقق شدن مؤلفه‌های رفاهی یکی از دغدغه‌های مشترک شهروندان و دولت‌مردان است، لذا از دیدگاه کاربردی آشنایی با ویژگی‌های گفتمان‌های رفاهی دوره‌های مختلف می‌تواند این امکان را فراهم کند که از نقش و اراده‌ی دولت‌ها در تسهیل و توقف حرکت ماشین رفاه اجتماعی، مطلع شویم.

از سوی دیگر گفتمان‌ها و ایدئولوژی‌های متعدد رفاهی در عصر فعلی از سوی اندیشمندان ارائه گردیده‌اند و بعضاً توسط دولت‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته و اجرایی گردیده‌اند. بنابراین از بعد نظری شناخت ویژگی‌های گفتمان رفاهی در هر دوره‌ی مورد بررسی، امکان مقایسه و بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های گفتمان مسلط رفاه اجتماعی در هر دوره را با گفتمان‌ها و ایدئولوژی‌های رایج رفاهی در دنیا فراهم می‌کند. تعمیق شناخت نظری نسبت به گفتمان‌های مسلط رفاهی در دوره‌های مورد بررسی و مقایسه آن‌ها با گفتمان‌های رایج جهانی به ویژه از آن رو مورد تأکید است که در هزاره سوم با مقولاتی نظیر جهانی شدن - توسعه پایدار انسانی، توانمندی انسانی، فقر قابلیت‌ی و... مواجهیم و این شناخت نظری این امکان را فراهم می‌کند که گفتمان مسلط رفاهی در کشور با گفتمان‌های مسلط رفاهی در دنیا مورد مقایسه و ارزیابی قرار گیرند.

تحلیل گفتمان رفاه اجتماعی در دوره‌های مورد بررسی همچنین می‌تواند شناخت بیشتری از عناصر سازنده و پردازنده رفاه اجتماعی، تحولات گفتمانی در عرصه‌های رفاهی و عوامل موثر در این تغییر و تحولات را بدست دهد

۳- پرسشها و فرضیه‌های تحقیق

۱- خصوصیات و عناصر اصلی ساخت گفتمان‌های رفاهی در دوره سازندگی چه بوده است؟

۲- مدل رفاه اجتماعی در این دوره بر اساس گفتمان آن دوره چه بوده است؟
گرچه بسیاری از تحلیل‌های گفتمانی، فاقد فرضیه پیشینی هستند و در غالب آن‌ها محقق با فرضیه‌های پسینی سروکار دارد اما برای این پژوهش با توجه به مطالعات تاریخی و بررسی‌های نظری می‌توان فرضیه‌های زیر را در نظر گرفت:

گفتمان رفاهی در دوران سازندگی متمرکز بر ابعاد اقتصادی رفاه اجتماعی بوده است.
گفتمان رفاهی دوران سازندگی تحقق بعد اقتصادی رفاه را از مسیر توسعه اقتصادی دولت مدار و در فقدان نهادهای مدنی و مشارکت شهروندان پیگیری کرده است.

۴- ادبیات نظری

۴-۱- تحلیل گفتمان

اصطلاح «تحلیل گفتمان» نخستین بار در سال ۱۹۵۲ در مقاله‌ای از «زلیک هریس» زبان‌شناس معروف انگلیسی به کار رفته است. هریس در این مقاله، دیدی صورت‌گرایانه از جمله به دست می‌دهد و تحلیل گفتمان را صرفاً نگاهی صورت‌گرایانه و ساختارگرایانه به جمله و متن بر می‌شمارد. بعد از هریس، بسیاری از زبان‌شناسان، تحلیل گفتمان را نقطه مقابل «تحلیل متن» دانسته‌اند. به اعتقاد این عده، تحلیل گفتمان شامل تحلیل ساختار زبان گفتاری - مانند گفت‌وگوها، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها - و تحلیل متن، شامل تحلیل ساختار زبان نوشتاری - مانند مقاله‌ها، داستان‌ها و گزاره‌ها - است.

چندی بعد از زلیک هریس، بعضی زبان‌شناسان، تحلیل گفتمان را در معانی متفاوتی به کار گرفتند. این گروه معتقد بودند که تحلیل گفتمان، بیشتر به کارکرد یا ساختار جمله و کشف و

توصیف روابط آن می‌پردازد. به عبارت دیگر، تحلیل گفتمان نزد این عده عبارت بود از شناخت رابطه جمله‌ها با یکدیگر و نگرستن به کل آن چیزی که نتیجه این روابط است (بهرام پور، ۱۳۷۸: ۲۱-۲۲) بنابراین از نظر این گروه، تحلیل گفتمان «چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام‌های واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون زبانی (زمینه‌ی متن)، واحدهای زبانی، محیط بلافصل زبانی و نیز کل نظام زبانی و عوامل بیرون زبانی (زمینه‌ی اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) بررسی میکنند.» (پورساعدی، ۱۳۷۲: ۱۰)

برای تحلیل گفتمان تعاریف متفاوتی ارائه گردیده است که در این زمره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- تعریف یول و براون: «تحلیل گفتمان، تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد آن است که در این صورت نمی‌تواند منحصر به توصیف صورت‌های زبانی مستقل از اهداف و کارکردهایی باشد که این صورت‌ها برای پرداختن به آن‌ها در امور انسانی به وجود آمده‌اند» (Brown and Yule, 1983: 1)

۲- تعریف شیفرین و استابز: «تحلیل گفتمان می‌کوشد تا نظام و آرایش فراجمله‌ای عناصر زبانی را مورد مطالعه قرار دهد و بنابراین واحدهای زبانی نظیر تبادل‌های مکالمه‌ای یا متون نوشتاری را مورد بررسی قرار می‌دهد. بر این اساس، تحلیل گفتمان با کاربرد زبان و زمینه‌های اجتماعی به ویژه با تعاملات یا مکالمات میان گویندگان سروکار دارد» (پورساعدی، ۱۳۷۲: ۱۰).

۳- تعریف لاکلاو و موفه: «تحلیل گفتمان تلاشی است برای تیوریزه کردن آموزه‌ای نوین در وادی علوم سیاسی و اجتماعی. در سپهر این نگرش و رویکرد نوین رهیافت گفتمانی ارتباطی تنگاتنگ با کنشهای اجتماعی عقاید مشی و منشهای ادمی در زندگی روزمره سیاسی یافته است.» (تاجیک، ۱۳۷۷: ۶)

۴- تعریف تیون ون دایک: «تحلیل گفتمان را باید در دو سطح تحلیلی مورد توجه قرار داد؛ چرا که گفتمان از یک سو بر صورت خاصی از کاربرد زبان تاکید دارد و از سوی دیگر به عنوان صورتی خاص از کنش متقابل اجتماعی و یک رویداد ارتباطی کامل در موقعیت اجتماعی مورد توجه است» (Van Dijk, 1993: 44).

۵- تعریف دایان مک دانل: «تحلیل گفتمان به بررسی گفتمان به منزله پدیده مقوله یا

جریانی اجتماعی می‌پردازد. به تعبیر دیگر، گفتمان، جریان و بستری است که دارای زمینه اجتماعی است» (مک دانل، ۱۳۸۰: ۵۶).

به طور کلی زبان‌شناسان، تحلیل گفتمان را در دو بعد سامان داده‌اند: اول، بسط رویه‌ها و روش‌های معمول در زبان‌شناسی توصیفی و کاربرد آن‌ها در سطح فراجمله (متن) و دوم، رابطه بین اطلاعات زبانی و غیرزبانی، مانند رابطه زبان و فرهنگ، محیط و اجتماع. در بعد اول، صرفاً اطلاعات زبانی مدنظر است؛ ولی در بعد دوم، اطلاعات غیرزبانی، مثل فرهنگ، محیط، اجتماع و سیاست که خارج از حیطه زبان‌شناسی است، در تحلیل متن، مورد توجه قرار می‌گیرد. به همین جهت می‌توان گفت که زبان‌شناسان در بحث از تحلیل گفتمان، دو دیدگاه را مطرح کرده‌اند: نخست، دیدگاهی که تحلیل گفتمان را بررسی و تحلیل واحدهای بزرگتر از جمله تعریف می‌کند و دوم، دیدگاهی که تحلیل گفتمان را تمرکز خاص بر چرایی و چگونگی استفاده از زبان می‌داند. دیدگاه اول را که به شکل و صورت متن توجه می‌کند، ساختارگرا (یا صورت‌گرا) و دیدگاه دوم را که به کارکرد متن توجه دارد، کارکردگرا نامیده‌اند. اولی گفتمان را واحد مشخصی از زبان می‌داند که بزرگتر از جمله است و تحلیل گفتمان را تحلیل و بررسی این واحدها بر می‌شمرد و دیگری، تحلیل گفتمان را مطالعه جنبه‌های مختلف چگونگی استفاده از زبان می‌داند که بر کارکردهای واحدهای زبانی متمرکز است. این دیدگاه، اعمال و کردار مردم و همچنین هدف‌های معینی را که آن‌ها در به کارگیری زبان بدان توجه دارند، مدنظر قرار داده، سعی می‌کند معانی اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی آن‌ها را بشناسد (بهرامپور، ۱۳۷۸: ۳۳-۳۰).
تحلیل گفتمان نیز مانند مفهوم «گفتمان»، در زبان‌شناسی متوقف نماند. به دلیل گسترش حوزه معنایی، مفهوم گفتمان از سطح گفتار فراتر رفته، گفتار و نوشتار و نیز ناگفته‌ها و نانوشته‌های یک متن را نیز شامل می‌شود و مضامین خاصی را با خود به همراه دارد. تحلیل گفتمان نیز از نظر شمول معنایی در گستره‌ای فراتر از زبان‌شناسی اجتماعی و زبان‌شناسی انتقادی، به همت متفکرانی چون ژاک دریدار، میشل پشو و میشل فوکو و به ویژه توسط اندیشمندانی چون تیون.ای.ون دایک و نورمن فرکلاف که به طور مستقیم به بسط این رشته اهتمام ورزیده‌اند، وارد مطالعات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شد (فرقانی، ۱۳۸۱: ۴۷-۴۶).
نورمن فرکلاف که دیدگاه‌های وی در خصوص گفتمان و تحلیل گفتمان، چارچوب نظری این مقاله را تشکیل می‌دهد، در رویکردی فوق‌کویی به تحلیل گفتمان، معتقد است تحلیل

گفتمان به بررسی مشکلات اجتماعی می‌پردازد. وی بر این باور است که تحلیل، گفتمان امری تفسیری و تبیینی است و تحلیل گفتمان را نوعی تحلیل ایدئولوژیک از متون می‌داند. «از نظر فرکلاف تنها توصیف برای تحلیل گفتمان کافی نیست و باید از سطح توصیف به سطح تبیین رسید. به باور فرکلاف عامل فرهنگ، گفتمان و جامعه را به هم مرتبط می‌کند» (آقا گل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۵۸).

فرکلاف به طراحی یک چارچوب چند بعدی برای تحلیل گفتمان می‌پردازد. به این ترتیب که ابتدا به توصیف عناصر سازنده گفتمان به طور مجزا می‌پردازد و در مرحله بعد، این عناصر را به یک سطح بزرگتر که کل مجموعه تشکیل دهنده گفتمان است، ارتباط می‌دهد و در نهایت به تبیین کیفیات این گفتمان و تبیین جایگاه و نقش آن در سطح کلان پس زمینه اجتماعی می‌پردازد (Fairclough, 1991: 50-51).

فرکلاف معتقد است تحلیل گفتمان باید تعاملات متن و فرا متن را در نظر بگیرد. این الگوی تحلیل گفتمانی فرکلاف، متأثر از نحوه تبیین او از رابطه قدرت و زبان است. تحلیل گفتمانی به نظر فرکلاف با انجام سه مرحله، شامل توصیف، تفسیر و تبیین سامان می‌پذیرد. به این ترتیب با روایت فرکلاف می‌توان بیرون از عرصه ی گفتمان از ساختارها و روابط اجتماعی و سیاسی سخن گفت.

۵- روش تحقیق

در این مقاله سخنان رییس جمهوری دوران سازندگی، به روش تحلیل گفتمان، مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. به همین دلیل، در بخش حاضر به روش‌شناسی تحلیل گفتمان، به ویژه از دیدگاه فرکلاف که در چارچوب نظری میشل فوکو به مقوله تحلیل گفتمان رویکرد دارد می‌پردازیم. تحلیل گفتمان از لحاظ روش، در زمره تحلیل‌های کیفی قرار می‌گیرد و به عنوان یک روش پژوهشی در حوزه نسبتاً وسیع زبان‌شناسی، نقد ادبی، قدرت و سیاست، رسانه‌ها و ارتباطات، قوم‌شناسی و تبعیض و نابرابری اجتماعی، قومی، جنسی و سیاسی کاربرد دارد. تمام ادعای تحلیل گفتمان این است که تحلیل‌گر در بررسی یک متن (اعم از نوشتار یا گفتار)، از خود متن فراتر می‌رود و وارد بافت یا زمینه متن می‌شود. یعنی، از یک طرف به روابط درون متن و از طرف دیگر به بافت‌های موقعیتی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی متن

می‌پردازد. جریان‌های تولید و شناخت متن، اثرات متقابل اهل زبان بر یکدیگر و کاربردهای اجتماعی و فرهنگی گفتمان، در سطوح متفاوت تحلیل گفتمان مورد بررسی قرار می‌گیرند. فرکلاف معتقد است که تحلیل گفتمان باید این تعاملات میان متن و فرامتن را در نظر بگیرد. بر همین اساس، وی گفتمان را در سه سطح یا سه مرحله توصیف، تفسیر، و تبیین، مدنظر قرار می‌دهد. فرکلاف، گفتمان را در سه مرحله مدنظر قرار داده است. سطح اول، گفتمان به منزله متن است که شامل گفتار و نوشتار است. سطح تحلیل این گفتمان توصیف است که فرکلاف آن را تحلیل متن نیز می‌نامد. سطح دیگر، شامل اعمال گفتمانی است. این سطح ناظر بر فرایند تولید و تفسیر متن است که در سطح تفسیر یا تحلیل فرایند «تحلیل گفتمان» قرار دارد. سطح دیگر گفتمان، مربوط به بافت یا زمینه متن است که فرکلاف سطح تحلیل آن را «تبیین یا تحلیل اجتماعی می‌نامد». به عبارت دقیق‌تر، فرکلاف گفتمان را در سه سطح، «گفتمان به منزله متن»، «گفتمان به منزله اعمال گفتمانی یا کنش متقابل» و «گفتمان به منزله بافت یا زمینه متن» مورد توجه قرار داده و برای آن‌ها به ترتیب سه سطح تحلیل توصیف زبان شناختی متن (تحلیل متن)، تفسیر روابط بین فرایندهای گفتمانی و متن (تحلیل فرایند) و تبیین روابط اجتماعی بین اعمال گفتمانی و زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی متن (تحلیل اجتماعی) بر شمرده است.

لازم به ذکر است در مرحله تفسیر، بویژه در بخش تفسیر متن موارد معنای کلام، انسجام موضوعی و ساختار متن، در متن‌ها مورد تاکید خواهد بود، که در این راستا به گزاره‌ها و برخی جملات مهم متن، معنا اختصاص خواهیم داد (معنای کلام)، منظور از این متغیر، وجه یا معنای کانونی متن است که به عنوان وجه اساسی، به خاطر می‌ماند. به عبارت دیگر، این گزاره‌ها، جمله‌ها یا عبارات‌هایی هستند که معنای اساسی متن، بدان‌ها تکیه دارد و حتی ممکن است مدت‌ها پس از مطالعه متن نیز در ذهن مخاطب باقی بماند. در واقع، متن موردنظر، از بسط و گسترش گزاره‌های اصلی و اساسی به دست می‌آید. بنابراین گزاره‌های اساسی، پیام اصلی متن را در خود دارند. در این پژوهش، گزاره‌های اساسی هر متن، یا عبارت کلیدی و کانونی آن، استخراج و سپس تحلیل شده است و متن نیز به بخش‌های اصلی تقسیم می‌شود و نشان خواهیم داد که هر بخش حول چه معنایی نظم یافته است (انسجام موضوعی)، همچنین چکیده کلام عرضه شده در متن و وجه یا معنای کانونی متن استخراج خواهد شد (ساختار

متن). در بخش تفسیر زمینه متن نیز به پیش فرضهای متن، توجه می‌شود که جنبه ای از تفسیر تولید کنندگان متن از بابت بینامتنی می‌باشد. پیش‌فرض‌ها، افکار قالبی و پیشداوری‌ها، زیرساخت استدلال و استنتاج نویسنده یا گوینده را شکل می‌دهند. بنابراین شناخت پیش‌فرض‌ها، تحلیل‌گر را قادر می‌سازد به لایه‌های زیرین یا اهداف واقعی صاحب اثر (در اینجا نویسنده) پی ببرد. همچنان که مشخص است در بخش تفسیر سطح تحلیل از چارچوب‌های ادراکی و آشکار متن فراتر می‌رود و تحلیل‌گر را قادر می‌سازد به کشف ساختارهای معنایی پنهان در یک الگوی گفتاری نایل شود. در این مقاله بویژه در سطح تفسیر، بررسی جان کلام متن و پیش‌فرضهای متن مورد تاکید و توجه خواهد بود.

در مرحله تبیین نیز به بررسی نقش زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی بر گفتمان می‌پردازیم و با تکیه بر بستر یا زمینه اجتماعی به تحلیل متن خواهیم پرداخت و مشخص می‌کنیم گفتمان مورد بررسی در جهت حفظ وضع موجود است یا دگرگونی آن و اثرات این گفتمان را تعیین می‌کنیم.

این که در تحلیل نهایی، متن به صورت ضمنی و آشکار، چه پیام خاصی در بردارد، آواها و نشانه‌های موجود در متن بر کدام جمله‌ها و عبارتهای آشنا دلالت دارند، ساختارها و زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، چگونه بر گفتمان بر تأثیر گذاشته و متقابلاً چگونه رویه‌های اجتماعی را باز تولید می‌کنند، از طریق تحلیل توامان متن و فرامتن سنجیده می‌شود. تبیین، در واقع نوعی تحلیل اجتماعی از متن است و تحلیل‌گر با تکیه بر زمینه یا بستر اجتماعی به تحلیل یک متن می‌پردازد. تحلیل فرامتن به بیان نهایی شامل برداشت، استنباط و تفسیر نهایی تحلیل‌گر با توجه به همه امکاناتی است که متن، دانش زمینه‌ای، بافت موقعیتی و نیز تکنیک تحلیل گفتمان، در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد.

۶- یافته‌ها

دوران سازندگی از سال ۱۳۶۸ در حالی آغاز می‌شود که پایان جنگی خانمان‌برانداز که به قصد سقوط نظام انقلابی - اسلامی بر ایران تحمیل شده بود، شرایط ویژه‌ای را بر کشور حکمفرما کرده بود. این جنگ، منابع محدود ملی را که می‌بایستی صرف توسعه اقتصادی - فرهنگی - سیاسی کشور تازه انقلاب کرده می‌شد، به خود اختصاص داده بود. از سوی دیگر، در

بستری از ضرورت‌های ایجاد شده در جنگ تحمیلی، دخالت دولت در امور اقتصادی به شدت گسترش یافته بود. در گذشت رهبر انقلاب و مسائل و تبعات ناشی از این شوک در جامعه، چالش جدی دیگری بود که کشور و حاکمیت با آن روبه‌رو شده بود. پس از پایان جنگ هشت ساله، مردم توقعات فزاینده‌ای پیدا کرده بودند و بازسازی و ترمیم ویرانی‌های جنگ و حل مسائل اقتصادی رفاهی مردم و تغییر در رویکردهای فرهنگی - سیاسی - اقتصادی که در زمان جنگ به دلیل مسائل خاص آن حاکم شده بود، مورد توجه قرار گرفته بود.

اصلاحیه قانون اساسی کشور که به منظور رفع گره‌ها و ابهامات قانونی در اداره کشور، تمرکز در رهبری کشور و تمرکز در قوه اجراییه و قضایی را به دنبال داشت، یکی دیگر از مواردی بود که عامل تشدید توقعات و انتظارات از سیستم آتی اجرایی کشور می‌شد. در سراسر کشور قرار گرفتن اقتصاد سوسیالیستی و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تأثیر آن بر سیاست‌های جهانی و تغییراتی که در معادلات بین‌المللی ایجاد می‌کرد نیز از جمله مسائلی بود که بر روند سیاست‌گذاری نظام و چگونگی تفکر و تصمیم‌گیری و شیوه اجرایی مسئولان در خصوص مسائل عمده کشور به شدت تأثیرگذار بود.

تاجیک، در تشریح شرایط اجتماعی - سیاسی پس از جنگ، بر تغییر تعاریف «خودی» و «دیگری» در جامعه ایرانی، تأکید و اشاره می‌کند در فرایند انقلاب و در دوران ترورها و جنگ، تمامی ایرانیان، خودی تعریف می‌شدند و ابتدا شاه، رژیم و حامیان خارجی‌اش، «دیگری» بودند و پس از آن نیز دشمن خارجی، «دیگری» تلقی می‌شد. اما پایان جنگ و آغاز دوره جدید، باعث تغییر تعریف گفتمانی از «دیگری» و «خودی» گردید و برخی امپریالیسم و دیگری را درونی تصویر کردند (تاجیک، ۱۳۷۹: ۸۷-۸۶). در چنین بستر و زمینه اجتماعی-سیاسی است که آقای رفسنجانی در انتخاباتی قابل پیش‌بینی و در حالی که هم مردم و فضای عمومی جامعه و هم مجموعه حاکمیت، انتظار حضور ایشان در مسند ریاست جمهوری را داشتند، به عنوان رئیس جمهوری اسلامی ایران در حالی سوگند یاد می‌کند که با حذف پست نخست‌وزیری، اختیارات رئیس جمهور به شدت افزایش یافته و متمرکز شده بود. آقای رفسنجانی، خود انگیزه و رویکرد اصلی خود را در پذیرش مسئولیت ریاست جمهوری، تقویت بُعد سازندگی و سلطه بر زمین اعلام می‌کند (روزنامه اطلاعات، ۱۱/۶/۶۸). در جداول پنج گانه صفحات بعد، یافته‌های حاصل از تحلیل گفتمان متن‌های دوران

سازندگی آورده شده است.

متن اول (سخنرانی آقای رفسنجانی ، آذر ماه ۱۳۶۸)

در روز ۲۸ مرداد ۱۳۶۸ در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی - مراسم تحلیف آقای هاشمی رفسنجانی به عنوان چهارمین رئیس جمهوری اسلامی ایران برگزار شد. در این مراسم که با حضور مسئولین عالی رتبه اجرایی، قضایی، نظامی کشور و روحانیون بلندپایه نظام برگزار شد، هاشمی رفسنجانی با عباراتی نظیر، اندیشمندی بزرگ، مدیر، مدبر، با کفایت، اسلام شناسی انقلابی و شخصیتی مورد توجه رهبر انقلاب آیت الله خامنه‌ای و مورد عنایت امام خمینی (ره)، توسط رئیس مجلس آن زمان یعنی آقای مهدی کروبی معرفی شد. رئیس مجلس همچنین در این مراسم اشاره کرد، که امام خمینی (ره) با کاندیداتوری آقای هاشمی رفسنجانی موافق بودند و حتی تعبیر امام خمینی این بود، که آقای رفسنجانی برای این سمت بسیار خوب است. قابل ذکر است در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری توسط آیت ... خامنه‌ای رهبر انقلاب، آقای رفسنجانی اظهار می‌دارند که قرار بود این حکم تنفیذ را از دست امام خمینی (ره) دریافت کنند.

فضای سیاسی اجتماعی فرهنگی آن دوران که بخشی از آن در این مراسم تحلیف متبلور بود، حکایت از این داشت که هم در نظر مسئولین حکومتی و هم در نگاه مردم، از قبل از برگزاری انتخابات چهارمین دوره ریاست جمهوری، حضور آقای رفسنجانی در مسند ریاست جمهوری، موضوعی قابل پیش‌بینی و قطعی شده بود.

و بدین شکل مراسم تحلیف آقای رفسنجانی در چنین زمینه سیاسی و اجتماعی که همراه با تأثیرپذیری از درگذشت امام خمینی (ره) و همچنین در دست داشتن امکانات جدید، بعد از تمرکز در قوه اجرایی کشور بود، برگزار گردید.

توصیف، تفسیر و تبیین متن اول

در این متن واژگان کانونی به کار رفته عبارتند از:

انقلاب، جنگ، امکانات، مردم، آزادی، مسکن، استقلال، آرمان، سازندگی، تولید، فقر، سد، کشاورزی، کارخانه، انرژی، اشتغال.

همچنین واژگان مطرح شده در متن که دارای بار منفی و سلبی هستند، عبارتند از: فقر دشمنان اسلام، خودکامگی و دیکتاتوری، جنایات تاریخ، گرسنگی مردم، صرفنظر کردن از آرمان‌ها، هرز رفتن امکانات، خوابیده بودن کارخانه‌ها.

در خصوص واژگان سلبی بکار رفته در متن نیز مشاهده می‌شود که یک بخش از این واژگان مربوط به مسائل اقتصادی کشور یعنی «هرز رفتن امکانات» و «خوابیده بودن کارخانه‌ها» می‌باشد که «فقر» و «گرسنگی مردم» نیز متأثر از دو عامل اول تلقی شده است.

در بررسی قطب‌بندی‌های موجود در این متن موارد زیر قابل تشخیص است: جنگ مقابل سازندگی، تولید مقابل فقر، حراست از مرزهای کشور در مقابل دادن بیمه و مسکن به مردم، تأکید سخنران بر این است که این تعارض در گذشته حکمفرما بوده است) نبود تولید در تقابل با استقلال کشور، فعال شدن کارخانه‌ها در تقابل با پدید آمدن فساد.

سخنران در این متن از ضمائر «ما» و «شما» استفاده نمی‌کند و تنها ضمیر «من» مورد استفاده سخنران است. عدم استفاده از ضمیر «ما» مخصوصاً آنجا که بیانگر یکی نشان دادن سخنران (رئیس جمهور) و مردم، مشهود است و در این متن نشانه‌ای در این خصوص دیده نمی‌شود. بر حسب جایگاه فاعلی مولد و سخنران نیز متن حاوی ویژگی استفاده از وجه دستوری با افعالی نظیر، «باید بکنیم»، «نیازمند آن هستیم»، بیانگر معنای رابطه‌ای اجبار و وجه بیانی حقیقت مسلم است.

مفاهیم رفاه اجتماعی بکارگرفته شده در این متن را نیز می‌توان موارد زیر بر شمرد: آزادی، مسکن، امکانات، تولید، سازندگی، بیمه. تلقی سخنران از مولفه‌های رفاه اجتماعی متمرکز بر ابعاد اقتصادی و وجوه کمی این مولفه‌هاست. مفهوم آزادی که یک واژه کلیدی در رفاه اجتماعی محسوب می‌شود، در زمره واژگان کانونی این متن محسوب نمی‌شود و گوینده با توجه به وجود این مفهوم در سوگند نامه ریاست جمهوری به آن اشاره‌ی کوتاه دارد. بیمه و مسکن دو مفهوم مهم مرتبط با رفاه اجتماعی می‌باشند که سخنران در این متن بر آن‌ها تکیه می‌کند. البته باید متذکر شد اشاره به این دو مفهوم در چارچوب کلی گفتمان آقای رفسنجانی که متمرکز بر ابعاد اقتصادی توسعه می‌باشد، قرار دارد.

جان کلام این متن را باید تأکید سخنران بر جدی گرفتن تولید در کشور در نظر گرفت. که تبلور این موضوع در اصرار سخنران برای راه‌اندازی کارخانه‌هاست که مشخصاً تأکید می‌شود

«اگر در نظر مردم جز این بود (راه‌اندازی کارخانه‌ها) هرگز به من رأی نمی‌دادند». سخنران عملاً با تأکید بر این که تولید و راه‌اندازی کارخانه‌ها مانع ایجاد فساد و فقر و ضامن حفظ استقلال اقتصادی کشور است، جهت‌گیری اساسی دولت و رئیس‌جمهوری را اعلام می‌کند.

پیش‌فرض‌های سخنران در این متن را می‌توان موارد زیر در نظر گرفت:

۱- عدم توجه به بیمه، مسکن، آموزش و سایر حقوق مردم در گذشته بدلیل ضرورت حفاظت از مرزها و حفظ استقلال سیاسی کشور بوده است.

۲- برای مردم توقعات زیادی بوجود آمده است که بیشتر معطوف به مسائل اقتصادی است.

۳- بدون این که تولید جدی در کشور باشد نمی‌توان استقلال را تأمین کرد.

۴- آسان‌ترین کار برای پیشبرد روند تولید در کشور راه‌اندازی کارخانه‌هاست.

۵- رأی مردم به وی برای راه‌اندازی کارخانه‌هاست.

۶- امکانات فراوانی هم اکنون در اختیار دولت است که در اختیار دولت‌های قبلی نبوده است.

این پیش‌فرضها مشخص می‌کند که سخنران بر این باور است که مطالبات و توقعات مردم از جنس اقتصادی است و پاسخگویی به این توقعات تنها از راه افزایش تولید میسر است که آنهم متبلور در راه‌اندازی کارخانه‌هاست. و برداشت سخنران از سازندگی استفاده از امکانات و کار برای مردم در استفاده از ظرفیتهای کشور در راه انداختن کارخانه‌ها و توجه به امر تولید است.

بررسی و تفسیر بخشی از واژگان سلبی یاد شده در متن نظیر فقر، گرسنگی، هرز رفتن امکانات نیز مؤید این موضوع است که سخنران بر رفع این معضلات، توجه به تولید دارد. در سال ۱۳۶۸ هاشمی رفسنجانی در حالی به سمت ریاست جمهوری انتخاب شد که جامعه متأثر از درگذشت بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و پایان جنگ خانمان برانداز هشت ساله بود. از سوی دیگر پس از بازنگری در قانون اساسی و حذف سمت نخست‌وزیری و تمرکز بیشتر در قوه اجرایی، اختیارات ریاست جمهوری، افزایش قابل ملاحظه‌ای پیدا کرده بود. همچنین باید اضافه کرد که حضور آقای رفسنجانی در رأس قوه مجریه در آن سال هم برای مردم امری قابل پیش‌بینی و هم برای مسئولین یک موضوع فکر شده و برنامه‌ریزی شده بود، به عبارت بهتر هاشمی در آن سال کاندیدای رسمی و مورد نظر حکومت تلقی می‌شد.

ذکر این نکته هم ضروری است که هم بدلیل پایان جنگ، هم بدلیل افزایش اختیارات رئیس‌جمهوری و هم بدلیل حضور شخص آقای هاشمی در مسند ریاست جمهوری که از نظر افکار عمومی مرد شماره دوم نظام می‌شود، توقعات مردم و جامعه برای حل مسائل و مشکلات بسیار افزایش یافته بود.

عطف به موارد فوق و در این بستر و زمینه اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، باید به تبیین متن حاضر پرداخت. آنچنان که از متن بر می‌آید تأثیرگذاری ساختارهای اجتماعی و عوامل اجتماعی و تأثیرات موقعیتی بر گفتمان این متن در مواردی نظیر تأکید سخنران بر سازندگی کشور، اشاره به لزوم پاسخگویی به توقعات مردم، این که پر تکرارترین واژه متن، جنگ است، تأکید بر حفظ آرمانهای انقلاب و اشاره سخنران به این که پس از مشورت با امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای تصمیم گرفته است این مسؤلیت را بپذیرد، که بیانگر قابل پیش‌بینی بودن حضور در این مسند برای سخنران بوده است، قابل تشخیص است.

با توجه به بستر اجتماعی، فرهنگی، سیاسی که سخنران متن خود را ایراد کرده است، باید اظهار داشت گفتمان ارائه شده در صدد است این فضا را برای مخاطب پدید آورد که آنچه جهت‌گیری اصلی اعلام شده از سوی سخنران برای قوه اجرایی کشور است، هم برای حفظ استقلال کشور در عرصه‌های مختلف ضروری است و هم باعث فقرزدایی از جامعه می‌باشد و هم در چارچوب تداوم آرمانهای انقلاب است. گفتمان حاضر به دور از ویژگی‌های آکادمیک و فاقد جنبه‌های نظری است و سخنران اصراری ندارد که برای تبیین جهت‌گیری اساسی ارائه شده یعنی تأکید بر تولید، جنبه‌های مختلف استدلالی و مبانی نظری ارائه کند.

تأکید بر امر سازندگی با تکیه بر تولید که تبلور آن راه‌اندازی کارخانه‌هاست پیام مشخص این گفتمان است که نمی‌توان از آن به عنوان ایجاد یک رویکرد جدید گفتمانی، نام برد. گفتمان آقای رفسنجانی به عنوان فردی عملگرا، متمرکز بر وعده‌ی بازسازی و سازندگی، رفع کسری بودجه، کاهش تورم و افزایش تولید بود. در خصوص فرایندهای نهادی که این گفتمان به آن تعلق دارد باید اظهار داشت: که این گفتمان دغدغه‌ای برای کسب حمایت از سوی احزاب و یا ارکان نظام برای خود متصور نیست و تأکیدی که آقای رفسنجانی در سوگندنامه‌ی ریاست جمهوری بر واژه‌ی وقف دارد بیانگر این واقعیت است که گوینده‌ی متن حضور خود را در این مسند یک فداکاری و وقف خود ارزیابی کرده است.

متن دوم (سخنرانی آقای رفسنجانی، آذر ۱۳۶۸)

آقای رفسنجانی حدود یکصد روز پس از برگزاری مراسم تحلیف ریاست جمهوری، و آغاز به کار رسمی خود در مسند رئیس جمهوری اسلامی ایران، در تاریخ ۱۵ آذر ۱۳۶۸ در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، به تبیین ویژگی‌های برنامه اول توسعه پرداخت.

اهمیت تشریح خصوصیات لایحه برنامه اول توسعه از آنجا ناشی می‌شد که اولاً بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، اولین بار بود که در نظام اجرایی کشور برنامه توسعه پنج ساله تنظیم و تدوین می‌شد. از آنجا که تنظیم و اجرای برنامه همزمان با پایان جنگ که همراه با انتظارات و توقعات مردم برای ترمیم خرابی‌ها و بهبود زندگی بود و مسئولین نیز در سخنرانی‌های خود بر این موضوع تأکید داشتند، افکار عمومی و فضای اجتماعی، سیاسی، در تکاپوی اعلام ویژگی‌ها و جهت‌گیری‌های لایحه اول توسعه بود، از سویی دیگر آقای هاشمی رفسنجانی به عنوان رئیس جمهوری در سخنرانی‌های خود برنامه اجرایی خود را همان برنامه اول توسعه اعلام کرده بود و حتی در مراسم معرفی کابینه خود از اعلام برنامه اجرایی خود خودداری کرد و این برنامه را همان برنامه اول توسعه اعلام کرد.

نکته قابل اهمیت در خصوص نشست آقای رفسنجانی با نمایندگان این است که آقای رفسنجانی سخنان خود را در صحن علنی مجلس ایراد نکرد، بلکه این نمایندگان مجلس بودند که به دیدار آقای رفسنجانی رفتند و صحبت‌های آقای رفسنجانی در خصوص ویژگی‌های برنامه اول توسعه را شنیدند.

توصیف، تفسیر و تبیین متن دوم

واژگان کانونی بکار رفته در این متن عبارتند از:

دولت، منابع ارزی، امکانات، کارخانجات، درآمد، تولید، صادرات، استقراض، سرمایه‌دار خارجی، سرمایه‌گذار، انرژی، تورم

واژگان سلبی به کار رفته در این متن نیز عبارتند از:

بدبینانه، بدبین کردن مردم، شیوه جاهلانه، ضد انقلاب، استعماری، شیطنت، تروریست اقتصادی.

همان گونه که مشاهده می‌شود جهت‌گیری واژگان سلبی معطوف به افراد و جریاناتی است

که نسبت به برنامه‌اول موضع انتقادی دارند. گفتمان رفسنجانی در این متن در تقابل با مخالفین در زمینه‌ی بینامتنی از واژگان سلبی فوق استفاده می‌کند. نکته‌ای که در این خصوص باید به آن اشاره شود این است که مولد یا سخنران با اشاره به مخالفین در زمینه‌ی بینامتنی، جمله‌بندی خاص خود را در تقابل با مخالفین قرار و بدین ترتیب پاسخ آن‌ها را می‌دهد.

این متن فاقد مفاهیم رفاه اجتماعی می‌باشد و همه چیز به سازندگی، برنامه‌ی اول توسعه و مسائل مرتبط با مقوله‌های اقتصادی محدود شده است. می‌توان تاکید سخنران بر مقوله‌ی تولید و فعال کردن کارخانجات را به صورت کمرنگ در حوزه‌ی ابعاد اقتصادی رفاه در نظر گرفت. ویژگی‌های این متن از حیث ارزش‌های رابطه‌ای استفاده سخنران از ضمیر ما جهت همسانسازی با نظام می‌باشد و این تلقی را ایجاد می‌کند که گوینده و نظام در وضعیت همسان و مشابهی قرار دارند. برحسب جایگاه فاعلی مولد ویژگی این متن استفاده از وجه دستوری می‌باشد و انعطاف ناپذیری گیرنده در این گفتمان مشهود است.

بارزترین قطب‌بندی موجود در متن تعارض «فقر و مشکلات مردم» در مقابل «مقوله تولید» است که از دیدگاه گوینده اهتمام به امر تولید موجب کاهش فقر و مشکلات مردم است. از منظر زمینه بینامتنی نشانه‌های بارزی از تقابل گوینده با مخالفین وجود دارد که برخی مصادیق آن اشاره سخنران به «شیوه جاهلانه برای اداره کشور» و «شیطنت برای ضربه زدن به دولت» است. گوینده‌ی متن عملاً عزم راسخ و انعطاف ناپذیر خود را در این گفتمان با تاکید بر وجوه دستوری به نمایش می‌گذارد. دیدگاه خود را چنان بیان می‌کند که گویی یک واقعیت مسلم است.

بیان تأکیدی گوینده متمرکز بر رونق بخشیدن به تولید در حوزه‌های مختلف می‌باشد. براساس جایگاه فاعلی مخاطبین نیز این متن ویژگی خاصی را به مردم نسبت نمی‌دهد و اصولاً به نظر می‌رسد مخاطبین این متن بیش از آنکه مردم و افکار عمومی باشند، مسئولین و نمایندگان هستند که نسبت به جهت‌گیری‌های اصلی برنامه اول توسعه بحث و انتقاد دارند. ویژگی‌های دستوری متن دارای ارزش رابطه‌ای خبری و دستوری می‌باشد و فاعل و سخنران متن بیشتر در جایگاه دهنده اطلاعات و مخاطبین در جایگاه دریافت کنندگی هستند. اشاره به وجه رابطه‌ای در این متن به دلیل وجود مسأله‌ی اقتدار یکی از مشارکین یعنی آقای رفسنجانی در رابطه با نمایندگان مطرح می‌شود، این وجهیت به وسیله‌ی افعال کمکی و وجهی نظیر

باستن، توانستن، بیان گردیده است. گوینده در این متن استناد و ارجاعی برای مشروعیت بخشی به دیدگاه خود ندارد. نهایت آن که بر وجه گفتمان رفسنجانی در این متن باید این نکته نیز اضافه گردد که وی با ردیف کردن فهرستی از موضوعات مرتبط با هم، ارتباطی را بین همه آنها به عنوان یک دلالت ضمنی، یعنی فقدان تولید در نظر می‌گیرد.

جان کلام متن را می‌توان جمله «برای رفع مشکلات مردم باید تولید کرد و از درآمد آن خرج نمود» در نظر گرفت. سایر گفتارهای متن و تأکیدات سخنران بر ضرورت افزایش شاخص‌ها در عرصه‌های مختلف با تمرکز بر جان کلام متن که تأکید بر ضرورت تولید است، قابل درک است. در این متن پیش فرضهای سخنران عبارتند از:

- ۱- برنامه اول توسعه حاصل یک کار جمعی و مطالعات شورایی است.
- ۲- بار ارزی برنامه واقع‌بینانه و اجرای آن در توان دولت است.
- ۳- بحث در خصوص این که بار ارزی برنامه اول توسعه بیشتر از امکانات است، بدبینانه است.
- ۴- وابسته کردن برخی طرح‌ها به درآمدهای خارجی نه تنها استقراض محسوب نمی‌شود بلکه برای پیشبرد طرح‌ها یک ضرورت است.
- ۵- راهبرد اصلی برای حل مشکلات مردم، تأکید بر مقوله تولید است.

همانگونه که از پیش فرضهای فوق و اپیزودهای معنایی متن بر می‌آید، محور اصلی سخنمان آقای رفسنجانی در تشریح مؤلفه‌های اصلی برنامه اول توسعه، حوزه اقتصادی است. توجه و دقت در بافت بینامتنی بیانگر این است که آقای رفسنجانی گفتمان خود را بر پایه این پیش فرض‌ها بنا نموده است و همین پیش فرضها است که اشارات و تلویحات این گفتمان را شکل می‌دهد. نوع کنشی که در این گفتمان با آن مواجهیم یک سخنرانی سیاسی است، که یک وضعیت نهادی دوگانه را شامل می‌شود: سیاست و سخنرانی رسانه‌ای. افراد درگیر در کنش و مناسبات میان آنها در قالب جایگاه‌های فاعلی زیر قرار گرفته‌اند: ۱- سخنگو ۲- مخاطبین ۳- شنوندگان. نزد آقای رفسنجانی بافت نهادی گفتمان، سخنرانی است و هدف این نشست دسترسی مخاطبین به دیدگاه رئیس جمهور یعنی آقای رفسنجانی می‌باشد. می‌توان در تفسیر این گفتمان با تأکید بر بافت موقعیتی این گونه عنوان کرد؛ که آقای رفسنجانی به عنوان یک سیاستمدار به بافت نهادی گفتمان به عنوان یک گفتمان سیاسی می‌نگرد و سخنرانی خود را

ابزاری در خدمت تبیین اهداف برنامه‌های دولت خود تلقی می‌کند. هدف استراتژیک اعلام نشده آقای فسنجانی در این متن تاثیر سیاسی مثبت بر مخاطبین است، لذا آقای فسنجانی تلاش میکند تصویری از خود و از برنامه‌ی توسعه‌ی اول که همان برنامه‌ی اجرایی دولتش است ارائه دهد که با آن هدف استراتژیک تطابق داشته باشد.

در حوزه اقتصاد نیز تمرکز سخنان بر بحث تولید و ضرورت افزایش ظرفیت کارخانه‌هاست. این متن بخوبی جهت‌گیری اساسی برنامه اول توسعه را نمایان می‌سازد. همانگونه که در متن ملاحظه شده، سخنان درحوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی هیچ اشاره و بحثی ندارد و روح حاکم برگفتمان این متن توسعه اقتصادی دولت مدار است که متمرکز بر امر تولید است. نکته دیگری که از پیش فرضهای این متن قابل استنباط است، این است که از لحاظ سخنان انتقادهای وارد بر برنامه، نتیجه‌ای جز بدبین کردن مردم ندارد.

این گفتمان در خصوص روابط اجتماعی رئیس جمهور با مردم و مخاطبین این نشست به نظر می‌رسد دارای این پیش فرض است که «رئیس جمهور اقتدار خود را نشان دهد». در واقع، فسنجانی در این متن در جهت اهداف خود با گفتمانی سخن می‌گوید که بیان گر اقتدار است و از در آمیختن و ادعای همبستگی با مردم استنکاف می‌کند.

متن حاضر در شرایطی مطرح می‌شود که فضای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی جامعه از یک سو منتظر نتیجه ملموس ورود آقای فسنجانی در عرصه اجرایی کشور است و از سوی دیگر مشکلات و مسائل اساسی مردم بویژه در حوزه معیشت خانوادگی که هنوز متأثر از تبعات جنگ تحمیلی است، رو به تزايد است. فسنجانی در شرایط ریاست جمهور خود را آغاز می‌کند که کشور با خسارت‌های عظیم جنگ، ویران شهرها و مراکز اقتصادی عمده، کاهش چشمگیر درآمد سرانه، مسائلی چون تورم، بیکاری، کسری بودجه، کاهش خودکفایی کشاورزی و شرایط ناشی از درگذشت امام خمینی، روبرو بود.

در این بستر اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، فسنجانی می‌کوشد، وعده سازندگی، بهبود زیر ساخت‌ها، افزایش تولید، خصوصی سازی، حمایت از بنگاه‌های جدید اقتصادی، ترویج صادرات، تک نرخ کردن ارز و طرح‌ریزی اصلاحات اقتصادی به منظور بهبود وضع مردم را، در گفتمان خود سرلوحه قرار دهد. گفتمان فسنجانی گفتمانی آمیخته با اقتدار است که در ساخت قدرت نقش آفرین و تاثیر گذار است. این گفتمان از حیث فزاینده اجتماعی، به منازعه

میان موافقین اصلاحات اقتصادی در چارچوب برنامه‌ی اول توسعه و مخالفین و منتقدین این برنامه اختصاص دارد.

در حوزه رفاه اجتماعی جهت‌گیری این متن فقط در بعد اقتصادی و آنهم در حوزه تولید و سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی است. همانگونه که مشاهده می‌شود در این متن مفاهیم کلیدی رفاهی نظیر عدالت، آزادی و توسعه جایگاهی ندارند، ولی مفهوم فقر در این متن حضوری پررنگ دارد و راهبرد تقابل با آن تولید اتخاذ می‌گردد.

این گفتمان نسبت به دانش زمینه‌هنجاری و در جهت حفظ ساختار روابط قدرت است. براساس دلالت‌های ضمنی سخنران به توسعه همچون امری آماری و اقتصادی نگریسته است و نیز برنامه اول توسعه را در چارچوب رشد شاخصهای تولیدی و سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی در حوزه‌های مختلف نظیر نفت، پتروشیمی و گاز ارائه می‌دهد. نویسنده در این متن تلاش دارد گفتار خود را همسان گفتار نظام و حاکمیت قرارداد و بحث و انتقاد در خصوص برنامه را بر نمی‌تابد. این گفتمان در خدمت حفظ روابط موجود قدرت می‌باشد و بر روابط و منازعات اجتماعی تاثیرگذار است.

متن سوم (سخنرانی آقای رفسنجانی، خرداد ۱۳۷۲)

همزمان با آغاز رقابتهای انتخاباتی ششمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، آقای رفسنجانی به عنوان رئیس جمهور و کاندیدای این انتخابات برنامه‌ها خود را برای مردم در یک مصاحبه تشریح کرد.

حضور آقای رفسنجانی در مبارزات انتخاباتی در حالی بود که با این که انتخاب دوباره ایشان به سمت ریاست جمهوری امری محتمل بود، اما این بار برخلاف انتخابات دوره قبل، برخی کاندیداهای ریاست جمهوری، در صحبتها و سخنان خود به نقد برخی سیاست‌ها و عملکردهای آقای رفسنجانی پرداختند. در همین راستا باید عنوان کرد، فضای عمومی، اجتماعی، سیاسی جامعه فاقد یکپارچگی و اجماع دوره قبل برای حضور آقای رفسنجانی در مسند ریاست جمهوری بود و این موضوع متأثر از بعضی مشکلات اقتصادی مردم از یک سو و شکل‌گیری انتقادهای فرهنگی سیاسی، اجرایی، اقتصادی به عملکرد دولت اول آقای رفسنجانی از سوی دیگر بود.

توصیف، تفسیر و تبیین متن سوم

واژگان کانونی به کار رفته در این متن عبارتند از:

بازسازی، تعدیل، تثبیت، نظام، تولید، نقدینگی، سازندگی، دولت، آموزش، بهداشت و درمان، تحقیق، ورزش، انرژی، کشاورزی، پتروشیمی، گاز، شیلات، مسکن، صنایع، حمل و نقل.

واژگان سلبی این متن نیز عبارتند از:

خرابی‌ها، دلسردکننده، محروم، غیر عادلانه، تهاجم فرهنگی، هتک حرمت اخلاقی. ضمیر ما در این متن عهده‌دار همسانسازی آقای رفسنجانی به عنوان رئیس جمهور با مردم نیست و استفاده از این ضمیر در این متن بیشتر معادل همپایگی آقای رفسنجانی با نظام است. آقای هاشمی از ضمیر ما به معنای (ما)ی دولت، حاکمیت و نظام استفاده می‌کند. در این متن به دلیل این که ما با مسأله اقتدار گوینده در رابطه با مردم و مخاطبین روبرو هستیم از وجهیت رابطه‌ای بحث می‌کنیم. در همین راستا باید ذکر کرد افعالی نظیر باستن، ایجاد کردن، و بنا داشتن گوینده را در مقام استفاده از وجه دستوری در بیان ارزشهای رابطه‌ای قرار می‌دهد. استناداتی که گوینده برای تقویت استدلالها و مورد قبول واقع شدن نظرات خود ارائه می‌دهد، نادر است و آن موارد نادر نیز معطوف به رهبر انقلاب می‌باشد، که این موضوع با استفاده از ضمیر «ما» توسط گوینده در مفهوم همپایگی با نظام و حاکمیت تناسب دارد.

قطب‌بندی‌های موجود در این متن را نیز می‌توان مواردی چون بازسازی در مقابل ترمیم خرابی‌ها، محرومیت‌زدایی در مقابل نقاط محروم، سازندگی در امور فرهنگی در مقابل تهاجم فرهنگی، درایت مردم در تقابل با شعارها و ادعاهای غیر واقعی و سوبسیدهای مقابل سوبسیدهای غیر عادلانه.

مفاهیم رفاه اجتماعی به کار رفته در این متن عبارت اند از: مسکن، بیمه، محیط زیست و بهداشت.

گوینده در بیان مولفه‌های رفاهی در این متن مانند متن‌های پیشین بر ابعاد خاصی از رفاه یعنی بعد اقتصادی آن هم در محورهای مشخص مسکن و بیمه تاکید دارد. رویکرد به این دو مقوله نیز در چارچوب کمی تحلیل می‌شود، یعنی دغدغه‌ی گوینده افزایش افراد تحت شمول بیمه و رشد مسکن سازی در کشور است. در این گفتمان ابعاد دیگر رفاه یعنی ابعاد سیاسی و

اجتماعی جایگاهی ندارند. در حوزه فرهنگ نیز گوینده با رویکرد سازندگی و افزایش مکان‌ها و محیط‌های فرهنگی ورود می‌کند.

پیش فرضهای سخنران در این متن را باید به دو قسمت مجزا تقسیم کرد. یکی مربوط به پیش فرضهای اجرایی و کمی سخنران در خصوص اقدامات اجرایی انجام گرفته است که در این تحلیل مورد تأکید نیستند، دیگری پیش فرض‌های غیر مرتبط با موارد کمی و اجرایی می‌باشند که می‌توان آن‌ها را به شرح ذیل بیان کند:

۱- برای بهره‌گیری صحیح از اقدامات انجام شده در گذشته به سیاست تثبیت در برنامه دوم توسعه نیاز داریم.

۲- همه موارد ذکر شده از سوی سایر کاندیداها در برنامه دوم دیده شده است.

۳- برنامه‌های اجرایی ریاست جمهوری تحت عنوان برنامه دوم، به عنوان برنامه‌های نظام و مورد تأکید سایر ارکان حکومت و نظام است.

۴- اگر اقدامات دولت در دوره گذشته نبود وضع مردم و وضعیت کشور، اوضاع مناسبی نداشت.

۵- مسائل اجتماعی معادل محرومیت‌زدایی از نقاط محروم است.

۶- ادعاها و شعارهایی وجود دارد که بر آن است مردم را تحت تأثیر قرار دهد.

همان‌گونه که از پیش‌فرض‌ها استنباط می‌شود، سخنران بر این باور است که برنامه‌ها و سیاست‌های وی که تحت چارچوب برنامه‌های اول توسعه اجرا شده و در قالب برنامه دوم توسعه تداوم خواهد داشت. برنامه‌های نظام است و البته این برنامه‌ها همه جانبه نیز بوده است و آنچه کاندیداهای ریاست جمهوری در تبلیغات و برنامه‌های خود به آن‌ها اشاره کرده‌اند، در این برنامه دیده شده است. سخنران از آنجا که سیاست‌های اجرایی و برنامه‌های توسعه را معادل برنامه‌های نظام قلمداد می‌کند، انتظار دارد مردم به شعارها و ادعاها توجه نکنند.

این متن در شرایط و زمینه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی مطرح می‌شود که انتخاب آقای رفسنجانی به عنوان رئیس‌جمهور در دوره بعدی نیز محتمل و قابل پیش‌بینی است تأثیر این فضا بر گفت‌مان این متن مشهود است اطمینان، سخنران از انتخاب به عنوان ریاست جمهوری و تداوم برنامه‌ها در این متن قابل تشخیص است این نکته آنقدر برای گوینده بدیهی است که بحثها و انتقادهای مطرح شده در خصوص برنامه‌های خود را شعارها و ادعایی عنوان می‌کند

که مردم با درایت خود به آن‌ها توجه نخواهند کرد. در حوزه رفاه اجتماعی سخنران در این متن تأکید ویژه‌ای بر بیمه دارد و گسترش و تامین بیمه‌های اجتماعی، گسترش فرهنگ بیمه و افزایش مقرری بگیران بیمه را در برنامه‌های خود ذکر میکنند. در بعد سیاسی رفاه اشاره بسیار کمرنگ‌گوینده به انتخابی کردن شهرداران و مشارکت مردم در اصلاح ساختار شهرهاست. در حوزه‌ی محیط زیست نیز اشاره‌گوینده متن بسیار گذرا و کمرنگ می‌باشد. و آن چه وی عنوان می‌کند این است که «بنا داریم در این خصوص سرمایه‌گذاری کنیم.» همانگونه که مشاهده می‌شود توسعه‌ی پایدار و عدالت زیست محیطی به عنوان مفاهیم مترقی رفاه در این متن جایگاه خاصی ندارند.

نکته دیگری که در خصوص شالوده اجتماعی و عوامل زمینه‌ای مؤثر بر این گفتمان باید ذکر کرد این است که در این انتخابات بر خلاف دوره قبل منتقدین جدی نسبت به برنامه‌ها و عملکرد اجرایی آقای رفسنجانی وجود داشتند. نقد جدی برنامه‌های اقتصادی در دوران گذشته از سوی جریان‌های موسوم به خط امام یا چپ‌گرایان اسلامی از یک سو و نقد جدی راست‌گرایان اصول‌گرا بر انفعال در مواجهه با آن چه این گروه تهاجم سازماندهی شده فرهنگی می‌نامیدند، این گفتمان را تحت تاثیر قرار داده بود. کاندیداها و رقبای انتخاباتی نیز در برنامه‌های و سخنان خود به نقد جدی عملکرد دولت پرداخته بودند، اشاره‌گوینده به این که همه نکات مورد نظر سایر کاندیداها در برنامه‌های ایشان دیده شده است و اشاره به این که مردم تحت تاثیر شعارها و ادعاها قرار نمی‌گیرند متأثر از این فضای اجتماعی - سیاسی است. نگاه متن به اجرای برنامه‌ها معطوف به نقش پررنگ دولت می‌باشد. نگاهی به گروه واژگانی کانونی این متن موید این ادعاست که آمر و فاعل در تدارک و اجرای برنامه‌های توسعه دولت می‌باشد. آنچه در خصوص این متن به عنوان تداعی‌هایی معنایی متن باید بیان کرد که بدیهی فرض شده و بر آن تأکید نمی‌شود این است که برنامه‌ها و سیاست‌های اجرایی اعلام شده از سوی آقای رفسنجانی برنامه‌های نظام و حاکمیت است. این تلقی از آنجا ناشی نمی‌شود که برنامه‌های توسعه در یک چارچوب قانونی مصوب شده و در حال اجراست بلکه به تلقی‌گوینده از نقش و جایگاه خود در ساختار نظام معطوف است. فرایندهای نهادی که این گفتمان به آن‌ها تعلق دارد به طور عام عبارت است از؛ منازعه میان هاشمی رفسنجانی به عنوان رئیس‌جمهور و مولد گفتمان سازندگی از یک سو و منتقدین اقتصادی، فرهنگی سیاست‌های وی از سوی دیگر. رفسنجانی

در گفتمان این متن که در فاصله کمی پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری است، در پی آن است تا تاثیر مثبت بر مردم به عنوان مخاطبین داشته باشد. این گفتمان نسبت به دانش زمینه‌ای هنجاری و در خدمت حفظ روابط موجود قدرت است.

متن چهارم (سخنرانی آقای رفسنجانی، مرداد ۱۳۷۲)

در تاریخ ۱۳ مرداد ۱۳۷۲ مراسم تحلیف و ایراد سوگندنامه آقای رفسنجانی که برای دومین بار به سمت ریاست جمهوری انتخاب شده بود در حضور مسئولین عالی رتبه کشور و در صحن علنی مجلس برگزار شد. برگزاری مراسم تحلیف در حالی بود که در انتخاب ششمین دوره ریاست جمهوری، رأی بالای آقای احمد توکلی اصلی‌ترین رقیب انتخاباتی آقای رفسنجانی، که سیاست‌ها و عملکرد وی را مورد انتقاد قرار داده بود، تعجب ناظران و افکار عمومی را برانگیخته بود.

در این مراسم تحلیف، آقای ناطق نوری رئیس مجلس بخش عمده‌ای از اظهارات خود را به تعریف و تمجید از شخصیت آقای رفسنجانی و عملکرد وی در دوره قبل اختصاص داد. وی همچنین یکی از ویژگی‌های این دوره انتخابات ریاست جمهوری را، فضای ناشی از تک‌نرخی کردن ارز و انجام سیاست‌های تعدیل اقتصادی که، فشار و مشکلات قابل پیش‌بینی برای مردم دارد، بر شمرد و تأکید کرد تعدیل اقتصادی در هر کشوری که انجام شود توسط حکومت نظامی صورت می‌گیرد و منجر به شکست و سقوط دولت‌ها می‌شود. وی با این توضیح یکی از موفقیت‌های آقای رفسنجانی را انجام سیاست‌های تعدیل بر شمرد و انتخاب آقای رفسنجانی را در این فضا، شکست دشمنان داخلی و خارجی نظام ارزیابی کرد.

توصیف، تفسیر و تبیین متن چهارم

در این متن واژگان کانونی بکار رفته عبارتند از:

عدالت، انقلاب، سوبسید، اعتلای کشور، بیت‌المال، بازسازی، قیمت، برنامه، همکاری، زندگی شخصی، سوخت

واژگان سلبی بکار رفته نیز عبارتند از:

فساد، ضد عدالت، بهره نادرست، فقرا، تهمت، تبعیض، غیر عادلانه، ویرانه

بررسی واژگان کانونی این متن بیانگر این است که واژه عدالت با بیش از ۱۴ بار تکرار در زمره‌ی واژگان پر تکرار متن است. ورود مفهوم عدالت به گفتمان‌های هاشمی رفسنجانی، آن هم با این تاکید و تکرار ویژه، بیانگر ابراز یک جهت‌گیری جدید در این گفتمان تلقی می‌شود. در خصوص واژگان سلبی این متن نیز باید متذکر شد که عبارت مرتبط با ضد عدالت و غیر عادلانه بیشترین تکرار را در این متن داشته است.

بررسی قطب‌بندی‌های موجود در این متن نشان می‌دهد که عدالت در مقابل ضد عدالت، بازسازی در مقابل ویرانه، سوبسید عادلانه در تقابل با سوبسید نادرست، آرمانهای معنوی انقلاب در تقابل با فساد دنیای امروز، از جمله تقابل‌ها و قطب‌بندی‌های متن به شمار می‌روند. سخنران در این متن از ضمیر «ما» به دو منظور استفاده می‌کند: ۱- به عنوان «ما»ی سیستم و «ما»ی نظام، ۲- «ما»ی خانواده. یعنی سخنران از ضمیر «ما» به عنوان همپایگی بین خود و مردم استفاده‌ای نمی‌کند، بلکه بیشتر به عنوان «ما»ی مسئولین نظام به کار برده می‌شود و در بخشی نیز که سخنران به تشریح زندگی خصوصی خود می‌پردازد از ضمیر «ما» به عنوان زندگی خصوصی و خانوادگی استفاده می‌کند.

بر حسب جایگاه فاعلی مولد یا سخنران نیز متن حاوی ویژگی استفاده از توجه دستوری با افعالی نظیر باید و همچنین وجه غیر دستوری «نیازمند» می‌باشد.

پررنگ‌ترین مفهوم رفاه اجتماعی در این متن واژه عدالت است که با برخی از ملحقات آن نظیر عدالت اجتماعی کاربرد محوری در این متن دارد. مفاهیمی نظیر آزادی، تعاون، همکاری، اعتلا، درآمد، از دیگر واژگان مرتبط با رفاه اجتماعی هستند که در این متن به کار برده شده‌اند. بررسی این متن بیانگر این موضوع است که مفاهیم رفاه اجتماعی در دوره دوم ریاست جمهوری آقای رفسنجانی حضور پررنگ تری در گفتمان وی داشته‌اند. بویژه مفهوم عدالت یک جایگاه محوری در گفتمان آقای رفسنجانی در دور دوم ریاست جمهوری وی دارا بوده است.

البته باید همین‌جا متذکر شده که برخی مفاهیم بکار رفته نظیر تعاون و همکاری در مفهوم مستقیم مرتبط با رفاه اجتماعی به کار نرفته‌اند، بلکه به عنوان ۲ مقوله‌ای که تأمین آن‌ها، عملی‌کننده اجرای عدالت اجتماعی و اعتلای کشور هستند، استفاده شده‌اند.

در تفسیر مفاهیم رفاه اجتماعی بکار رفته در متن باید عنوان کرد که عدالت از منظر سخنران

مرتبط با استفاده درست از سوبسیدها بیان می‌شود و ماهیت پرداخت سوبسیدها و واقعی شدن قیمت‌ها به عنوان تعریف و تلقی سخنران از عدالت به شمار می‌رود.

با اشاراتی که سخنران به واژگان نظیر درآمد، حقوق، قیمت دارد، می‌توان عنوان کرد که رفاه اجتماعی در این متن بیشتر در قالب ابعاد اقتصادی آنهم متمرکز در حوزه قیمت‌ها و درآمدهاست اما توجه به سایر ابعاد رفاه اجتماعی در این متن نسبت به متن‌های قبل بیشتر می‌باشد.

جان مایه کلام متن مورد بررسی را می‌توان این نکته در نظر گرفت که «سوبسیدهای نادرست را حذف می‌کنیم تا در راه تأمین اعتلا و عدالت موفق شویم». سخنران در این متن تأمین اعتلای کشور و اجرای عدالت را پشتوانه نظری، جهت‌گیری اساسی خود یعنی حذف سوبسیدهای نادرست اظهار می‌دارد و بر آن است تا این موضوع را جا بیاندازد که وضعیت فعلی قیمت‌ها در کشور و وجود سوبسیدهای نادرست، در تضاد با عدالت و اعتلای کشور است.

در این متن پیش‌فرض‌های سخنران عبارتند از:

- ۱- اجرای عدالت اجتماعی و تأمین اعتلای کشور از مسائل دشوار انقلاب است.
- ۲- گاه در قالب عدالت، ضد عدالت عمل می‌کنیم.
- ۳- ماهیت پرداخت سوبسیدها در کشور غیر عادلانه است.
- ۴- عدالت آن است که با پرداخت هزینه واقعی مردم، قیمت‌ها را نیز واقعی کنیم.
- ۵- بیان بخشی از زندگی شخصی سخنران و اشاره به این که وی از انقلاب بهره نادرستی نداشته است، به معنای حفظ قداست انقلاب است.
- ۶- توسعه نفوذ اسلام در محیط آرام و مطمئن، بیشتر از محیط ماجراجویانه است.
- ۷- پیدا کردن شیوه تأمین اعتلای کشور برای مردم دشوار است.

بررسی این پیش‌فرض‌ها حکایت از آن دارد که سخنران خود را تقریباً در مقام نظام و انقلاب می‌داند و بیان زندگی شخصی خود را حفظ قداست انقلاب قلمداد می‌کند. از سوی دیگر شیوه تأمین اعتلای کشور و اجرای عدالت، به تشخیص سخنران، حذف سوبسیدهای نادرست است. به عبارت دیگر سخنران از موضع حفظ مصالح انقلاب و تأمین عدالت و اعتلای کشور جهت‌گیری اساسی رئیس‌جمهوری آینده را پرداختن به مقوله سوبسیدها و واقعی کردن

قیمت‌ها اعلام می‌کند.

بررسی واژگان سلبی بکار رفته در متن نیز نشان می‌دهد، سخنران، واژگانی نظیر ضد عدالت، بهره نادرست، تبعیض و غیر عادلانه را هنگامی بکار برده است که به مقوله سوبسیدهای نادرست و یا غیر واقعی بودن قیمت‌ها پرداخته است.

در تبیین این متن و در بررسی باز تولید شالوده اجتماعی و دانش زمینه‌ای در جریان کنش گفتمانی مورد بررسی و در بیان زمینه و فضای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی بر این متن باید عنوان کرد؛ دور دوم ریاست جمهوری آقای رفسنجانی در حالی آغاز می‌شد که منتقدین انتقادهای جدی خود را به برنامه اول توسعه، جهت‌گیری‌های دولت اول آقای هاشمی و عملکرد اجرایی ایشان مطرح می‌کردند و ساخت اجتماعی آن زمان متأثر از این مباحث بود. سیاست‌های اقتصادی دوره اول سازندگی به شدت توسط جریان سیاسی چپ آن زمان یا جریان خط امام با محوریت روزنامه سلام نقد می‌شد. این منتقدین تأکید می‌کردند، سیاست‌های اقتصادی دوران سازندگی موفقیت‌آمیز نبوده است و معتقد بودند وعده‌های دوران سازندگی اموری نسبی بوده‌اند که در بوته نقد مشخص شده است نسبه‌های غیر قابل نقد هستند (۱۸/۱۲/۷۱، سلام) جمع‌بندی مباحث مطرح شده توسط این منتقدین زیر سیوال بردن دستاوردهای اعلام شده در این دوران بود و این جریان انتقادی قویاً معتقد بود که دولت در تأمین عدالت اجتماعی ناموفق بوده است. عدم توجه رئیس دولت دوران سازندگی به تأمین آزادی و حقوق اجتماعی مردم از دیگر مواردی بود که در آن زمان در انتقاد به آقای رفسنجانی بیان می‌شد.

منتقدین فرهنگی سیاست‌های دولت اول سازندگی نیز با اشاره به این که یک هجوم فرهنگی سازماندهی شده، علیه ارزش‌های انقلاب وجود دارد، مسئولین را متهم می‌کردند که این موضوع را جدی نمی‌گیرند و برای آن چاره‌اندیشی مناسب ندارند. استعفای آقای خاتمی از وزارت ارشاد و خروج وی از دولت اول سازندگی تحت همین فشارها از سوی جریان‌ات و گروه‌های منتقد سیاست فرهنگی صورت گرفت.

مسائل فوق‌الذکر که فضا و زمینه اجتماعی - سیاسی - فرهنگی حاکم بر بیان این متن بودند، از عوامل اجتماعی تعیین‌کننده در شکل‌گیری گفتمان حاضر هستند. این دانش زمینه‌ای به ویژه در سطح سازمان اجتماعی باعث تأثیرپذیری این گفتمان گردیده است. تأثیرپذیری این گفتمان

از این دانش زمینه‌ای در عرصه ساختارهای اجتماعی در اشارات سخنران به مصادیقی که از نظر وی تبلور تأمین آزادیها و حقوق مردم بوده است از یک سو و تلاش وی جهت توضیح و تفسیر برنامه‌های اجرایی خود ذیل عنوان عدالت مشهود است. از سوی دیگر این گفتمان بر آن است تا با طرح مواردی نظیر لزوم اصلاح سوبسیدها و واقعی کردن قیمت‌ها بر ساخت‌های اجتماعی و نهادی اثرگذار باشد در خصوص تأثیرات این گفتمان باید اظهار داشت، این گفتمان نسبت به دانش زمینه‌ای هنجاری است و فرآیند نهادی که این گفتمان به آن تعلق دارد به تلاش سخنران به عنوان رئیس جمهور برای اعمال برنامه‌های اقتصادی خود اختصاص دارد.

تفسیر متون دوره سازندگی بر مبنای گفتارهای زمینه

در خصوص متون تحلیل شده دوران سازندگی می‌توان مدعی شد که در این دوره و در گفتمان سازندگی که گفتمان حاکم بر این دوره بوده است، مفاهیمی نظیر بنگاه‌های تولیدی، رشد شاخص‌هایی نظیر تولید ناخالص ملی، سرمایه‌گذاری و درآمد سرانه، جایگاه ویژه‌ای دارند. می‌توان این گونه بیان کرد که روح حاکم بر متون دوران سازندگی عمدتاً معطوف به توسعه اقتصادی دولت - محور است. رویکرد این گفتمان به مفاهیم رفاه اجتماعی و جایگاه مقولات رفاهی در متون این دوران را می‌توان در موارد ذیل بر شمرد:

۱- عدالت

مفهوم مورد تأکید از عدالت در این گفتمان است، مفهومی است که در آن مسائلی نظیر رفع سوبسیدهای نادرست و پرداخت هزینه واقعی زندگی مردم همزمان با واقعی کردن قیمت‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. کاهش اختلاف درآمدی طبقات محروم و طبقات دارا به عنوان یکی از ملاک‌های دستیابی به عدالت عنوان می‌شود و ابعاد اقتصادی در رویکرد این گفتمان به عدالت جایگاه رفیعی دارد. دغدغه این گفتمان در خصوص مقوله عدالت، معطوف به مسائلی نظیر سازگاری سوبسیدها با عدالت اجتماعی و مسائل حقوق، درآمد و دستمزد است.

۲- آزادی

این مفهوم کلیدی حوزه رفاه، در گفتمان دوران سازندگی جایگاه ندارد و حداکثر اشاره‌ای که به این مقوله می‌شود، در دو مراسم تحلیف آقای رفسنجانی است که آن هم در اشاره به سوگند نامه ریاست جمهوری است. البته در مراسم تحلیف دوم، آن هم به دلیل تأثیرپذیری از زمینه

سیاسی، اجتماعی و فرهنگی روز جامعه که جهت‌گیری دولت‌سازندگی و گفتمان حاکم بر این دوران را فاقد توجه به آزادی‌های سیاسی، امنیت اندیشه و نقدپذیری دولت می‌دانست، اشارات کوتاهی به این مقوله می‌شود. اصولاً این گفتمان، این پیش‌فرض را برای خود قایل است که مسائل جامعه معطوف به مسائل و مشکلات اقتصادی است و جامعه و کشور دستی پر در ابعاد سیاسی و فرهنگی دارند و به همین دلیل مفهوم آزادی در این گفتمان بسیار کم‌رنگ جلوه می‌کند.

۳- توسعه

توجه به متون مورد بررسی در این دوره بیانگر آن است که مقوله برنامه توسعه، یکی از موارد جدی و مورد تأکید در این گفتمان است و اصولاً آقای رفسنجانی، خود یکی از ویژگی‌های دوران سازندگی را تکیه بر برنامه‌های توسعه بیان می‌کند. اما مفهومی از توسعه که به عنوان محور دوران سازندگی در گفتمان این دوره مشهود است، توسعه‌ای است که جهت‌گیری آن به سمت توسعه اقتصادی است و نقش دولت در این مفهوم از توسعه، بسیار کلیدی است. در این رویکرد به توسعه، توسعه سیاسی و فرهنگی در سایه سنگین برنامه‌های توسعه اقتصادی رنگ می‌بازند و نهادهای مدنی و مفاهیمی نظیر حقوق شهروندی، حقوق اساسی مردم، مسائل مربوط به آزادی و خلاصه آنچه که ذیل عنوان توسعه همه‌جانبه و موزون می‌تواند تعریف گردد، در مفهوم ارائه شده از توسعه در این گفتمان وجود ندارد و توسعه ارائه شده در گفتمان دوران سازندگی، توسعه‌ای اقتصادی، آمرانه، دولت‌محور و تقلیل‌گرایانه است.

۴- فقر

یکی از مفاهیم کلیدی در حوزه رفاه اجتماعی، مفهوم فقر است که این مفهوم در گفتمان دوران سازندگی نیز حضوری پررنگ دارد. در این گفتمان، فقر از نتایج توزیع نامناسب، تولید کم، کسری بودجه و عدم سرمایه‌گذاری به شمار می‌رود و آنچه که برای کم کردن فقر عمومی ضروری تلقی می‌گردد، مواردی نظیر اشتغال، کار و تولید است. همان‌گونه که مشاهده می‌گردد مقابله با فقر عمومی در این گفتمان با توجه به تکیه بر ابعاد اقتصادی و افزایش تولید پیگیری می‌شود این نگرش به مقوله فقر، همگرایی بسیار نزدیکی با دیدگاه فقر درآمدی دارد که طی آن، پایین بودن درآمد، معیار استاندارد مشخص کردن فقر تلقی می‌شود. این رویکرد به مقوله فقر، همان رویکردی است که در اندیشه توسعه به مثابه آزادی، مورد نقد قرار می‌گیرد و نگرش فقر

توانمندی به جای آن مطرح و بیان می‌گردد.

۵- امنیت

در گفتمان سازندگی، رویکردی به امنیت اتخاذ می‌شود که محمدرضا تاجیک آن را رویکرد مک نامارایی بیان می‌کند که طی آن، امنیت مساوی توسعه و دیکته شده به نخبگان تصمیم ساز است. تاجیک این تلقی از امنیت را صیانت ذات از رهگذر رشد و توسعه مسالمت‌آمیز عنوان می‌کند و با تأکید بر این که این گفتمان امنیتی (حفظ/رشد) محور بوده است الگوی موفق امنیتی را الگوی توسعه ملی بیان می‌کند (تاجیک، ۱۳۷۹: ۱۰۷-۱۰۶) این تلقی از امنیت فاقد وجوهی نظیر انعطاف‌پذیری، آزادی، تکثرگرایی، نقدپذیری و مشارکت جویی است.

۶- اشتغال، مسکن، سوبسید و بیمه

موارد ذکر شده در این قسمت، ذیل عنوان بعد اقتصادی رفاه تقسیم‌بندی می‌گردند. این بعد از ابعاد رفاهی در گفتمان سازندگی، وجهی بسیار مهم دارد و توجه به اشتغال به عنوان یکی از لوازم رفع فقر عمومی، تکیه بر حل مشکل مسکن به عنوان یکی از مشکلات اساسی مردم، تأکید به بحث یارانه‌ها و حذف یارانه‌های نادرست به عنوان یکی از شاخص‌های دستیابی به عدالت و دسترسی به بیمه به عنوان مهمترین عامل رفاه مردم در این گفتمان تلقی می‌شود. به جرأت می‌توان ادعا کرد بعد اقتصادی رفاه اجتماعی با محوریت موارد فوق‌الذکر نسبت به سایر مؤلفه‌های رفاهی، بیشترین توجه و تأکید را در این گفتمان دارا بوده است.

۷- نتیجه‌گیری

این پژوهش با روش تحقیق تحلیل گفتمانی با الگوی نورمن فرکلاف با تفسیر و تبیین متون گفتمانی دوران سازندگی، یافته‌های ذیل را در برداشته است:

فرضیه پژوهش مبنی بر تمرکز گفتمان رفاهی دوره سازندگی بر ابعاد اقتصادی رفاه اثبات گردید. در واقع این پژوهش نشان می‌دهد که گفتمان رفاهی دوره سازندگی با تمرکز بر مفاهیمی نظیر تولید، اشتغال و سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی در حوزه‌های مختلف نظیر نفت، پتروشیمی، شیلات، صنایع و... به دنبال دسترسی به اهدافی بوده است که در حوزه رفاهی ذیل عنوان بعد اقتصادی رفاه تعریف می‌گردد. در این پژوهش فرضیه دیگر تحقیق نیز که عنوان می‌کند «تمرکز

گفتمان رفاهی دوران سازندگی بر توسعه اقتصادی، دولت - مدار بوده است» تأیید شد. مطالعه متون گفتمانی رفاهی دوران سازندگی نشان داد در این دوران، توسعه اقتصادی دولت - مدار در فقدان نهادهای مدنی و مشارکت شهروندان و بی توجه به توسعه در ابعاد سیاسی - فرهنگی مدل توسعه‌ای رفاه، پی‌گیری می‌شده است؛ مدلی که طی آن تلاش می‌شود گروه‌هایی که به هر دلیل در فرایند توسعه عقب مانده‌اند و دچار اختلال گردیده‌اند، حمایت شوند. این تحقیق همچنین عنوان می‌کند که گفتمان دوران سازندگی با مؤلفه‌هایی نظیر خصوصی‌سازی و آزاد کردن قیمت‌ها و اقتصاد بازار، قرابت‌هایی با گفتمان رفاهی نیولیبرال داشته است.

به این ترتیب با بازخوانی پرسش‌های می‌توان به این نتیجه رسید که:

۱- گفتمان رفاهی دوران سازندگی نسبت به دانش زمینه‌ای، هنجاری و در راستای حفظ روابط موجود قدرت است.

۲- عناصر اصلی ساخت گفتمان رفاهی در دوران سازندگی، متکی بر مؤلفه‌هایی چون اشتغال، فقرزدایی، افزایش تولید و عدالت با رویکرد اقتصادی و حذف سوبسیدهای نادرست است که این مفهوم از عدالت، تا حدودی با عدالت گفتمان نیولیبرالی همگرایی دارد و این در حالی است که توسعه اقتصادی در گفتمان این دوران با فقدان مؤلفه‌هایی نظیر آزادی، مشارکت و حقوق شهروندی همراه است.

۳- گفتمان رفاهی دوره سازندگی، متمرکز بر ابعاد اقتصادی رفاه است که شامل مواردی نظیر تأمین مسکن، تأمین اشتغال، رفع فقر درآمدی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر است.

۴- مدل اقتصادی اقتباس شده از گفتمان رفاهی دوران سازندگی، نگرش توسعه‌ای رفاه است.

۵- گفتمان رفاهی دوره سازندگی، تحقق بعد اقتصادی رفاه را از دل توسعه اقتصادی دولت - مدار پی می‌گیرد.

با تکیه بر نتایج و دستاوردهای این پژوهش باید عنوان کرد: رفاه اجتماعی که در دوره اصلاحات دارای جایگاه و منزلتی مناسبتر و والاتر بوده و رویکرد به این مفهوم رویکردی چندجانبه‌نگر، مدرن و انسان‌مدارانه بوده است به عنوان یک نقطه عزیمت، باید از نزول مجدد این مفهوم جلوگیری کرد. به بیان دیگر شاخصها و مؤلفه‌های رفاه اجتماعی که حاصل گفتمان

رفاهی اصلاحات بوده است باید تثبیت، تعمیق و نهادینه شود. در کنار این موضوع باید با اراده جدی، برنامه‌ریزی و هماهنگی در لایه‌های مختلف نظام از یک سو و شهروندان از سوی دیگر شرایط ارتقاء نظری مفهوم رفاه اجتماعی متناسب با شرایط روز جامعه و فضای بین‌المللی از یک سو و محقق شدن عملی ابعاد رفاهی در کشور فراهم شود.

می‌توان عنوان کرد وضعیت مطلوب و قابل قبول رفاه اجتماعی در ایران که می‌تواند یک مبنا برای دسترسی تلقی شود، محقق شدن ابعاد چندگانه رفاه توأم با یکدیگر است. یعنی در عین حالیکه دسترسی به بعد زیستی رفاه پیگیری می‌شود، ابعاد حقوقی رفاه، ابعاد سیاسی رفاه، ابعاد اجتماعی رفاه و ابعاد اقتصادی رفاه نیز در چارچوب یک نظام جامع رفاهی و یک توسعه همه جانبه و موزون پیگیری گردد.

یک ضرورت مهم در مسیر محقق شدن رفاه اجتماعی این است که امکان دخالت سلیقه‌های اجرایی، تصمیم‌گیری‌های آنی و لحظه‌ای، و نگرش تک بعدی و تقلیل‌گرایانه به مسائل از بین برود. تحقق رفاه اجتماعی، در کشور بدون یک نگرش جامع، برنامه‌ریزی شده، دیدگاه‌های کارشناسی و علمی، همراهی با قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی یک خواب بدون تعبیر است.

دشواریها و پیشنهادها:

الف: دشواریها:

هر تحقیق مشکلات و محدودیتهای خاص خود را دارد اما تحلیل گفتمان رفاه اجتماعی به دلیل زیر با مشکلات بیشتری روبرو بود:

۱- بداعت کار تحلیل گفتمان در ایران

۲- بداعت مفهوم رفاه اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران

۳- بداعت انجام روش‌های تحقیق کیفی در حوزه رفاه اجتماعی در محافل دانشگاهی

۴- پیچیده بودن صحنه و تحولات سیاسی ایران که مقولات و عرصه‌های دیگر نظیر حوزه رفاهی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. علاوه بر مسائل فوق مشکلات فنی و اجرایی تحلیل گفتمان نیز نظیر: مشکلات انتخاب متن معرف یا نمونه، تلاش برای استفاده از ابزارهایی که عینیت بیشتری را وارد تحلیل کند، از دشواری‌های این تحقیق بوده است.

ب: پیشنهادها

این پژوهش به عنوان اولین تحقیق انجام گرفته با روش تحلیل گفتمان در حوزه رفاه اجتماعی گام اول برداشتن در یک مسیر طولانی و دراز است با این توصیف پیشنهاد می‌شود:

۱- زمینه برای ترغیب دانشجویان برای گرایش بیشتر به انجام روش‌های کیفی به ویژه در

حوزه رفاه اجتماعی پدید آید.

۲- پژوهش‌های دیگری برای بررسی و تحلیل گفتمان رفاهی در دوره‌های دیگر نظام جمهوری اسلامی مانند دوره انقلاب و جنگ و دوره پس از اصلاحات انجام پذیرد.

۳- این تحقیق بر مبنای بررسی متونی که چارچوب نظری گفتمان‌های سازندگی و اصلاحات را در بر می‌گرفته است، انجام پذیرفته است. پیشنهاد می‌شود تحقیق جداگانه‌ای با محوریت تحلیل گفتمان سخنان رؤسای جمهوری در دوران سازندگی و اصلاحات در دیدار با مسئولین و کارکنان دستگاه‌های مرتبط با رفاه اجتماعی نظیر سازمان تأمین اجتماعی انجام پذیرد.

۴- در مورد نسبت حکومت اسلامی با مقوله رفاه اجتماعی تحقیق جداگانه‌ای صورت گیرد.

۵- با توجه به جایگاه تأثیرگذار رهبر در نظام جمهوری اسلامی تحلیل گفتمان رفاهی در سخنان رهبری انجام پذیرد و مؤلفه‌های آن گفتمان با مؤلفه‌های گفتمان‌های دورانه‌های سازندگی و اصلاحات تطبیق داده شود.

منابع

- آفا گل زاده، فردوس. ۱۳۸۵، تحلیل گفتمان انتقادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- باری، نورمن. ۱۳۸۰، رفاه اجتماعی، ترجمه: سیداکبر میرحسینی و سیدمرتضی نوربخش، تهران، انتشارات سمت.
- بلیک مور، کن. ۱۳۸۵، مقدمه‌ای بر سیاست‌گذاری اجتماعی، ترجمه: علی اصغر سعیدی، تهران، نشر موسسه تامین اجتماعی.
- بهرامپور، شعبانعلی. ۱۳۷۸، درآمدی بر تحلیل گفتمان، گفتمان و تحلیل گفتمانی، تهران، انتشارات فرهنگ گفتمان،

- بهرامپور، شعبانعلی. ۱۳۷۸، گفتمان نشریات حزبی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- پورساعدی، کاظم. ۱۳۷۲، درآمدی به سخن کاوی، مجله زبان شناسی، بهار و تابستان ۱۳۷۲.
- تاجیک، محمد رضا. ۱۳۷۹، جامعه‌ی امن در گفتمان خاتمی، تهران، نشر نی.
- حق جو، ناصر. ۱۳۸۱، رفاه اجتماعی و توسعه، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۶.
- روزنامه اطلاعات ۱۱/۶/۱۳۶۸
- روزنامه اطلاعات ۳/۶/۱۳۶۸
- روزنامه اطلاعات ۶/۸/۱۳۷۲
- شورای برنامه ریزی سازمان بهزیستی کشور. ۱۳۷۹، به سوی نظام جامع رفاه اجتماعی، تهران، سازمان بهزیستی.
- پیتزپاتریک، تونی. ۱۳۸۱، نظریه رفاه ترجمه: هرمز همایون‌فر، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی.
- فرکلاف، نورمن. ۱۳۷۹، تحلیل انتقادی گفتمان گروه مترجمان، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- فرقانی، مهدی. ۱۳۸۰، تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- مک دائل، دایان. ۱۳۸۰، مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان، ترجمه: حسینعلی نوذری، تهران، انتشارات فرهنگ گفتمان.
- ماکارو، دیوید. ۱۳۷۸، رفاه اجتماعی، ساختار و عملکرد، ترجمه: محمدتقی جغتایی، تهران، نشر دانشگاه علوم بهزیستی.
- میجلی، جیمز. ۱۳۷۸، رفاه اجتماعی در جهان، ترجمه: محمدتقی جغتایی، تهران، نشر دانشگاه علوم بهزیستی.
- Brown, G and G. youl, 1983. Discourse Analysis, Cambridge university press.
- Fairclough. N. 1991. Language and Power, Longman.